

حروف ربط

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 14, 2015

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به حروف ربط ، حروف ربط آن دسته از کلماتی هستند که بین دو بخش از جمله نشسته تا ارتباط بخش اول به بخش دوم را ربط بدهند!

aber اما ، ولی ، لیکن

denn برای اینکه ، زیرا ، چون که ، چون ، پس از آن ، سپس

und و

oder یا

چند مثال :

Heute habe ich keine Zeit, aber wir können morgen ins Kino gehen

امروز من وقت ندارم ، اما ما می توانیم فردا در (به *) سینما برویم.

Ich möchte morgen ins Kino gehen, denn da läuft ein guter Film

من تمایل دارم فردا در (به *) سینما بروم ، برای اینکه آنجا یک فیلم خوب در جریان است.

Ich möchte mit dir essen gehen und einen Film sehen

من تمایل دارم با تو به غذا خوردن بروم و یک فیلمی را ببینیم.

Möchtest du lieber ins Kino gehen oder ins Theater gehen?

تو تمایل داری در (به *) سینما بروی یا در (به *) تئاتر ؟

Ich habe kein Fahrrad, aber wir haben zwei Autos

من هیچ دوچرخه ای ندارم ، اما ما دو تا ماشین داریم.

Wir haben zwei Autos, **denn** wir **mögen** Autos

ما دو تا ماشین داریم، برای اینکه ما علاقمند به ماشین ها هستیم.

Ich habe einen Porsche **und** mein Mann **hat** einen Ferrari

من یک پورشه دارم و شوهرم یک فراری دارد.

نکته : این حروف ربط aber, denn, und , oder وقتی در بین بخش اول و دوم جملات می نشینند هیچ تغییری در جایگاه عناصر جمله به وجود نمی آورند.

دیگر حروف ربط :

Deshalb بدین سبب ، از آن رو ، به این علت ، از این جهت

Sonst جز این ، والا ، وگرنه ، در غیر این صورت ، به جز این ، علاوه بر این

Dann آن وقت ، آن گاه ، آن هنگام ، سپس ، پس از آن ، در صورت امکان ، گذشته از آن

Danach در مورد آن ، در باره ی آن ، سپس ، پس از آن ، بعد از آن

چند مثال :

Ich arbeite heute nicht. **Deshalb habe** ich viel Zeit für dich

من امروز کار نمیکنم . از آن رو خیلی وقت برای تو دارم.

Komm zu mir. **Sonst bin** ich so allein

بیا پیش من ، وگرنه من خیلی تنها هستم.

Ich koche für uns, **Dann gehen** wir ins Kino

برای خودمان آشپزی میکنم ، سپس به سینما میرویم.

Ich koche für uns, **Danach gehen** wir ins Kino

برای خودمان آشپزی میکنم ، پس از آن به سینما میرویم.

Ich brauche Geld. **Deshalb arbeite** ich

من پول نیاز دارم ، بدین سبب کار میکنم.

Ich brauche Geld, **sonst kann** ich nichts **einkaufen**

من پول نیاز دارم وگر نه من نمی توانم هیچ چیزی بخرم.

Zuerst gehe ich einkaufen, **dann koche** ich

در ابتدا به خرید میروم سپس آشپزی میکنم.

نکته : این حروف ربط **deshalb, sonst, dann, danach** هرگاه بین بخش اول و دوم جملات قرار میگیرند می بایستی پس از آنها فعل اصلی جمله بیاید و چنانچه جمله ما دارای فعل کمکی نیز بود. می بایستی پس از آن فعل کمکی بیاید و فعل اصلی به انتهای جمله برود. که در مثال های بالا به خوبی مشخص شده اند.

دیگر حروف ربط :

dass که

wenn اگر ، چنانچه ، وقتی که ، در صورتی که ، هر زمان

weil زیرا ، چرا که ، چون ، به دلیل اینکه

چند مثال :

Was? ich glaube, **dass** mein Freund heute **kommt**

چی ؟ من باور دارم که امروز دوست من می آید.

معمولا در جواب was می بایستی **dass** بیاید.

Wann? Mein Freund ruft an, **wenn** er am Bahnhof **ankommt**

چه زمانی ؟ دوستم تماس میگیرد ، اگر او در ایستگاه قطار برسد.

معمولا در جواب Wann می بایستی **wenn** بیاید.

Warum? Ich gehe zum Bahnhof, **weil** ich meinen Freund **abholen will**

چرا ؟ من میروم به ایستگاه قطار ، چونکه می خواهم دوستم را بیاورم.

معمولا در جواب Warum می بایستی **weil** بیاید.

نکته : این حروف ربط **dass, wenn, weil** هرگاه بین بخش اول و دوم جملات می آیند فعل جمله را به انتهای بخش دوم میبرند و چنانچه فعل کمکی نیز در جمله داشته باشیم آنگاه در انتهای جمله اول فعل اصلی و سپس فعل کمکی می آید. مانند مثال های بالا

چنانچه در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا توضیحاتی دارید می توانید به زیر این درس اضافه کنید.

موفق باشید.